

# اهمیت

## کفش‌های زنانه چقدر است؟

◀ مریم چهاربالش

Maryam\_chaharbalesh@yahoo.com

برعهده آنان است. از همین رو گزارش این ماه، از جذابیت‌های دو چندان برخوردار است. از این‌ها بگذریم، به باغ سپهسالار برگردیم، در حالی که هنوز چوب خشونت پاییز بر تن نرم درختان کامل اصابت نکرده است، پنج‌شنبه غروب یک روز پاییزی شلوغ است. پشت ویتترین یکی از مغازه‌ها، یک کفش پاشنه دوسانتی مشکی رنگ، توجهم را جلب می‌کند، به نسبت آن را می‌پسندم، حال باید آن را امتحان کنم.

به داخل مغازه که می‌روم، در همان فضای حدوداً ده متری، دو مشتری دیگر نیز حضور دارد، فروشنده با کلام «سلام، خوش آمدید» به استقبالم می‌آید؛ نگاهم به سمت دیگری معطوف شده است، بنابراین با تاخیری حدوداً پنج ثانیه‌ای به فروشنده پاسخ می‌گویم و کد کفش موردنظرم را بازگو می‌کند.

**سایز پای‌تان چند است، خانم محترم؟**

**۳۶، آیا دارید؟**

– نمی‌دانم، باید ببینم، چون سایز ۳۶ تولید زیادی ندارد، بیشتر مشتریان سایز ۳۸-۳۷-۳۹ استفاده می‌کنند؛ البته در این سال‌ها کفش‌های سایز بزرگ ۴۰ نیز در بین زنان طرفدار پیدا کرده است.

– بله آقا می‌دانم؛ این مشکل همیشگی من است، سخت کفش پیدا می‌کنم. و فروشنده در بین قفسه‌های چیده شده می‌رود و من دوباره زمان پیدا می‌کنم که دو مشتری دیگر را برانداز کنم و بازهم حس کنجکاوی به سراغم می‌آید، لبخند و روی گشاده دختر جوان گویی مرا به سمت خود دعوت می‌کند. تقریباً در فاصله دومتری‌شان یک صندلی پرو قرار دارد، روی آن می‌نشینم در انتظار دریافت کفش جدید؛ نیم‌نگاهی نیز به پسر و دختر جوان دارم:

– محسن این مدل اصلاً قشنگ نیست

– چرا عزیزم، به رنگ پیراهنت می‌آید.

– اما من از جنس سبز آن خوشم نمی‌آید، من سبز ملایم‌تر می‌پسندم.

**اشکالی ندارد، حالا امتحان کن ببین اصلاً اندازه پایت هست یا خیر؟**

و دختر خانم در حالی که کفش را می‌پوشد، این بار او نیز نیم‌نگاهی به من می‌کند، چشمان مشکلی‌اش پر از احساس جوان و شادابی است، او مانند تمام دختران ایرانی، عروسی منحصر به فرد است. در نهایت کلام سکوت را بین‌مان می‌شکند و از من می‌پرسد:

– خانم به نظر شما این کفش قشنگ است.

این بار من نیم‌نگاهی به او می‌کنم و به او پاسخ می‌دهم:

– بستگی دارد که شما برای چه لباسی بخواهید؟ رنگ لباس، مدل آن و...

کمی فکر می‌کند، ارتباط برقرار کردن برای او کمی سخت است، کتاب ذهنم کمی به گذشته برمی‌گردد، روزهایی که حداقل ۱۰ نفر برای خرید عروس و دامادهای جوان را همراهی می‌کردند، مراسم بستنی‌خوران خرید، خرید برای همراهان و...؛ دوست دارم با دختر جوان ارتباط

نوشتن از سلاقی زنانه کمی سخت است، کمی متفاوت، کمی حساس و البته بسیار مهم، به ویژه اگر بنا باشد برای کفش میهمانی خانم‌ها بنویسیم، موضوعی از جنس دیگر که شاید تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. تصور کنید که بخواهید برای مراسم نامزدی خود یا مهم‌تر از آن برای شب عروسی خود کفش بخرید. شبی منحصر به فرد و میزبانی منحصر به فرد و در میان تمام این خاص بودن‌ها و ویژه بودن‌ها، نقطه عطف، زیبایی عروس خانم است که در آن شب می‌خواهد زیباییش را با انتخاب‌های منحصر به فردش به غایت برساند، هم‌چیز در غایت است.

در یک بعداز ظهر، پنج‌شنبه بهانه خرید دارم، مقصدم باغ سپهسالار است، کوچه باغ قدیمی تهران، که چند سال است دیگر به روی خودروهای پر تعداد مرکز شهر بسته شده است و تو می‌توانی در لحظاتی که در حال ترسیم تهران قدیم در ذهنت هستی، گام برداری، تفکر کنی، اگر بودجه‌ات اجازه دهد خرید کنی و مهم‌تر از آن با برانداز کردن ویتترین‌ها ذائقه مدها و رنگ‌ها را درک کنی و اگر به صنعت کفش علاقمند باشی، رفتارشناسی مشتریان را بررسی کنی و هزاران دلیل دیگری که می‌توانی از لحظاتی بهره‌گیری.

شناخت ذائقه‌های مد زنانه از منظر دیگری نیز اهمیت دارد، منظر کسب و کار، منظر انتخاب؛ در مطالعه‌ای که چندی پیش در حوزه تحقیقات بازار داشتیم، به این نکته برخوردیم که موضوع بررسی سلاقی زنانه به عنوان یکی از رئوس تحقیقات بازاریابی درآمده است، استدلال آن‌ها این بود که نقش «زنانه» در مصرف بیشتر از «مردانه» است؛ زیرا زنان هم خود بیشتر مصرف‌کننده هم بخشی از وظایف تامین مصارف دیگران نیز



و یک سوال مشترک:  
**قیمت کفش برای مراسمی مانند  
 عروسی یا نامزدی چه قدر برای تان  
 مهم است.**

- پرستو: به نظر من مدل آن از قیمتش  
 مهم تر است.

**و این عدم حساسیت را هنگام  
 خرید کفش آقای داماد که هدیه شما  
 هست را رعایت می کنید؟**

- همین طور است، برای من مهم این  
 است که یک کفش خوب بخرم.

- محسن: من کمی به قیمت حساسیت  
 دارم، البته قبول دارم که کفش نامزدی یا  
 عروسی فقط یک بار است، اما در هر صورت  
 داماد هزینه سنگینی دارد، خرید طلا، لباس،  
 لوازم آرایش، آرایشگاه، پذیرایی میهمانان؛  
 کفش کمترین آن است، من باید در نهایت  
 بتوانم هزینه‌ها را به گونه‌ای مدیریت کنم که  
 به تمام آن‌ها برسد.

گفتگو طولانی شد، بگذارید بقیه را که  
 کمتر به صنعت کفش مرتبط می‌شد را به  
 خاطره‌ها بسپاریم و تنها به این نکته بسنده  
 کنیم که هم من آن کفش‌ها را خریدم و  
 هم عروس داماد در حالی که قصد داشتند  
 که به سمت خیابان سعدی بروند تا کفش  
 آقای داماد را بخرند، همین کفش را خریدند،  
 عروس خانم بالاخره رضایت داد؛ مبارک  
 است!

شما نیز به این موضوع بیندیشید که  
 کفش‌های زنانه چه قدر می‌تواند مهم باشد و  
 مصرف کننده این بخش چه جایگاهی دارد؟

برقرار کنم، یک لحظه با خود می‌اندیشم که چه سوژه زیبایی برای پرداختن است. موضوع را برای او توضیح می‌دهم، من فراموش می‌کنم که منتظر دریافت کفش‌م برای پرو هستم و او نیز کمی فراموش می‌کند که برای چه کاری آمده است و در نهایت در حالی که خود را پرستو ۲۳ ساله معرفی می‌کند، با هم شروع به گفتگو می‌کنیم؟

**این کفش برای چه مراسمی است؟**  
 - مراسم نامزدی است.

**کفش برای تان چه قدر مهم است؟**

- خیلی مهم، بخش خیلی مهمی از نمای لباس به کفش ارتباط دارد.

**لباس تان مهم تر است یا کفش؟**

- هر کدام در جای خود قابل توجهند. لباس و کفش مکمل همدیگر هستند.

**معیارهای تان برای انتخاب کفش چیست؟**

- زیبایی و راحتی

**کدام یک مهم ترند؟**

- انتخاب بین آن‌ها سخت است، گاهی اوقات زیبایی و گاهی اوقات راحتی، اگر بنا نباشد که زیاد جست و خیز کنم، زیبایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، اما در هر صورت در مراسم‌های این چنینی کفش می‌تواند در دسرساز هم بشود.

**چندمین مغازه است که کفش پرو می‌کنی؟**

- فکر می‌کنم مغازه سوم یا چهارم است، روی هم رفته نزدیک به ۱۰ کفش پرو کرده‌ام.

**- سخت انتخاب می‌کنی؟**

- خوب طبیعی است که باید کمی سخت گرفت، چون برایم مهم است، هم باید به لباسم بیاید، هم راحت باشد، هم خودم بیسندم (و در نهایت با اشاره‌ای به داماد جوان می‌گوید) و البته نظر ایشان هم مهم است.

همین پاسخ بهانه‌ای است تا آقای داماد نیز که خود را محسن ۲۹ ساله معرفی می‌کند، بتواند صحبت کند.

**از لحاظ شما چه معیارهایی برای خرید کفش مهم است؟**

- من گاهی اوقات نمی‌توانم حرف خانم‌ها را بفهمم.

**مثلاً چه بخش‌هایی از حرف‌های خانم‌ها را؟**

- آن بخش سخت گیرانه‌های کوچک را، مثلاً کمی روشن تر، تیره تر، این رنگ یا آن رنگ، خیلی تفاوت نمی‌کند.

- خوب حتماً تفاوت می‌کند، اما این که شما آن را نمی‌توانید درک کنید فرق می‌کند.

- من فقط می‌توانم بگویم که سعی می‌کنم حساسیت خانم را درک کنم، اما نمی‌توانم به صورت کامل با او هم نظر بشوم.

سازمان‌های موفق

مهم‌ترین وظیفه خود را

یافتن مسأله می‌دانند و نه حل آن.

